

بررسی علل و عوامل ارتکاب جرم سرقت

با مذاقه در انگیزه مرتکب جرم

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۹/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۱/۰۲)

دکتر حسین یاراحمدی^۱

محمدامین پایندان

دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی

چکیده

سرقت به عنوان یکی از شایع ترین جرایم علیه اموال، همواره در تقاطع پیچیده‌ای از عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی شکل می‌گیرد. در این میان، انگیزه مرتکب نقش محوری در تبیین چرایی ارتکاب سرقت و همچنین در طراحی پاسخ‌های پیشگیرانه و کیفری مناسب دارد. در این پژوهش، ضمن تفکیک مفاهیم «علت»، «عامل» و «انگیزه»، از نظریه‌های کلاسیک و معاصر جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی انحرافات بهره گرفته شده و با تأکید بر زمینه‌های ایرانی، نقش ساختارهای اقتصادی و تحولات شهری، کارکرد خانواده و آموزش، نظام کنترل اجتماعی و نیز کیفیت سیاست جنایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. یافته‌های تحلیلی مقاله بر این دلالت دارد که سرقت غالباً نتیجه هم‌افزایی عوامل چندگانه است و انگیزه مرتکب نه تنها تابع شرایط عینی زندگی، بلکه متأثر از ادراک فرد از فرصت، خطر، مشروعیت، و ارزش‌های اخلاقی است. نتیجه‌گیری مقاله پیشنهاد می‌کند سیاست‌های تقنینی و اجرایی در حوزه سرقت باید از الگوی «مداخله چندسطحی» پیروی کند و با ترکیب پیشگیری اجتماعی، وضعی و بازپروری، هم به ریشه‌های انگیزشی و هم به بسترهای تسهیل‌کننده جرم پاسخ دهد.

واژگان کلیدی: سرقت، انگیزه مرتکب، عوامل جرم‌زا، پیشگیری اجتماعی، سیاست جنایی

^۱ نویسنده مسئول

مقدمه

جرم سرقت به ظاهر عملی ساده و روشن به نظر می‌رسد، اما در واقع یکی از پیچیده‌ترین رفتارهای مجرمانه از حیث علل، انگیزه‌ها و زمینه‌های وقوع است. سرقت تنها «برداشتن مال دیگری» نیست، بلکه رخدادی اجتماعی است که در آن نیازها و خواسته‌های فردی، ساختارهای اقتصادی و فرهنگی، فرصت‌های محیطی، و میزان کارآمدی کنترل اجتماعی با یکدیگر تلاقی می‌کنند. به همین دلیل، تحلیل سرقت بدون مذاقه در انگیزه مرتکب، اغلب به سطحی‌نگری و ارائه راهکارهای تک‌بُعدی می‌انجامد. انگیزه در جرم‌شناسی پلی میان «چرا» و «چگونه» است؛ یعنی هم علت‌های پنهان را روشن می‌کند و هم مسیرهای مداخله را نشان می‌دهد.

در بسیاری از موارد، انگیزه سرقت در قالب «نیاز فوری» یا «فشار اقتصادی» توصیف می‌شود. هرچند این توصیف در بخش قابل‌توجهی از سرقت‌ها درست است، اما همه واقعیت را پوشش نمی‌دهد. سرقت‌های مبتنی بر طمع، سرقت‌های هیجانی، سرقت‌های حرفه‌ای، سرقت‌های ناشی از اعتیاد، سرقت‌های انتقام‌جویانه، و حتی سرقت‌هایی که در بافت روابط نزدیک و خانوادگی رخ می‌دهد، نشان می‌دهد که انگیزه‌ها می‌توانند متکثر و گاه متعارض باشند. افزون بر این، انگیزه امری ایستا نیست؛ ممکن است فردی ابتدا با انگیزه تأمین معاش وارد مسیر بزهکاری شود، اما در ادامه به انگیزه‌های قدرت‌طلبی، رقابت، یا کسب منزلت گروهی گرایش پیدا کند.

این مقاله در پی آن است که با رویکردی علمی و منسجم، مجموعه علل و عوامل ارتکاب سرقت را با محوریت انگیزه مرتکب بررسی کند. در این مسیر، ابتدا مسئله پژوهش و اهمیت آن تبیین می‌شود، سپس ادبیات نظری و پژوهشی مرور می‌گردد و در ادامه، روش‌شناسی تحلیلی مقاله توضیح داده می‌شود. نهایتاً با ارائه تحلیل چندسطحی از عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی، پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاری و پیشگیری ارائه خواهد شد.

بخش اول: کلیات و مفاهیم بنیادین

بند اول: تعریف سرقت و تمایز آن از رفتارهای مشابه

سرقت در معنای حقوقی و کیفری، رفتاری است که در آن مال متعلق به دیگری بدون رضایت مالک و با قصد تملک یا بهره‌برداری غیرمجاز برداشته می‌شود. با این حال، در تحلیل جرم‌شناختی باید به تمایز سرقت از رفتارهای نزدیک توجه کرد؛ مانند خیانت در امانت، کلاهبرداری یا تحصیل مال از طریق نامشروع. در سرقت، عنصر «تصرف فیزیکی یا دسترسی غیرمجاز به مال» اهمیت ویژه دارد، در حالی که در برخی جرایم دیگر، عنصر فریب یا سوءاستفاده از رابطه امانی نقش اصلی را ایفا می‌کند. این تمایز از منظر انگیزه نیز معنادار است، زیرا الگوهای انگیزشی در سرقت می‌تواند با جرایمی که مبتنی بر فریب یا سوءاستفاده از اعتماد هستند تفاوت داشته باشد.

بند دوم: مفهوم علت، عامل و انگیزه در تبیین جرم

در بسیاری از نوشته‌ها، علت و عامل و انگیزه به جای یکدیگر به کار می‌روند، در حالی که برای تحلیل دقیق باید میان آنها تفکیک قائل شد. علت به معنای ریشه‌های بنیادی و ساختاری است که زمینه‌ساز شکل‌گیری رفتار مجرمانه می‌شود؛ مانند فقر ساختاری، نابرابری، یا فروپاشی هنجاری. عامل می‌تواند به متغیرهای نزدیک‌تر و عملیاتی‌تر اشاره کند؛ مانند بیکاری فرد، اعتیاد، یا حضور در یک محله پر جرم. انگیزه اما ناظر به جهت‌گیری درونی و هدفمند مرتکب است؛ یعنی آن نیروی روانی و معنایی که فرد با آن عمل سرقت را توجیه، انتخاب و اجرا می‌کند.

در عمل، انگیزه از تعامل علت‌ها و عامل‌ها ساخته می‌شود. فقر به‌تنهایی انگیزه تولید نمی‌کند، بلکه در ذهن فرد به صورت ادراک «بن‌بست»، «محرومیت»، یا «حق از دست‌رفته» ترجمه می‌شود و در کنار فرصت‌های محیطی می‌تواند انگیزه سرقت را شکل دهد.

بند سوم: اهمیت مذاقه در انگیزه مرتکب در سیاست جنایی

انگیزه در سیاست جنایی دو کارکرد مهم دارد. نخست، کارکرد تبیینی است؛ یعنی کمک می‌کند چرایی وقوع جرم روشن شود و تحلیل از سطح نشانه‌ها به سطح مکانیسم‌ها برسد. دوم، کارکرد مداخله‌ای است؛ یعنی راهکارهای پیشگیری و واکنش کیفری را هدفمند می‌کند. برای نمونه، اگر انگیزه غالب در یک نوع سرقت «تأمین هزینه اعتیاد» باشد، سیاست‌های درمان‌محور و کاهش آسیب اهمیت می‌یابد. اگر انگیزه «هیجان‌طلبی نوجوانان» باشد، مداخلات آموزشی و تقویت پیوندهای اجتماعی مؤثرتر خواهد بود.

بخش دوم: بیان مسئله و ضرورت پژوهش

بند اول: صورت‌بندی مسئله پژوهش

مسئله اصلی این مقاله آن است که چرا برخی افراد در شرایط مشابه اجتماعی و اقتصادی، به سرقت روی می‌آورند و برخی دیگر نه. اگر پاسخ را صرفاً در فقر یا بیکاری خلاصه کنیم، از توضیح تفاوت‌های فردی، روان‌شناختی و فرهنگی ناتوان می‌مانیم. از سوی دیگر، اگر صرفاً بر ویژگی‌های فردی مانند «ضعف اراده» یا «بی‌اخلاقی» تکیه کنیم، از درک نیروهای ساختاری و محیطی غافل می‌شویم. بنابراین، مسئله در نقطه اتصال ساختار و کنش قرار دارد و انگیزه مرتکب همان نقطه‌ای است که این اتصال در آن قابل مشاهده می‌شود.

این مقاله می‌پرسد: چه علل و عواملی انگیزه‌های متفاوت سرقت را شکل می‌دهند، این انگیزه‌ها چگونه در انواع سرقت تجلی می‌یابند، و سیاست جنایی چگونه می‌تواند با درک انگیزه‌ها، از وقوع سرقت پیشگیری کند یا آن را کاهش دهد.

بند دوم: اهمیت و ضرورت بررسی انگیزه در سرقت

سرقت تنها یک آسیب مالی نیست؛ پیامدهای روانی، اجتماعی و امنیتی نیز دارد. احساس ناامنی در محله‌ها، کاهش اعتماد عمومی، و افزایش هزینه‌های مراقبت و حفاظت از اموال از

آثار غیرمستقیم آن است. در سطح فردی نیز، ورود به چرخه سرقت می‌تواند به تکرار جرم، پیوند با شبکه‌های بزهکار، و عادی‌سازی خشونت منجر شود. در این میان، انگیزه‌ها همان سازوکارهایی‌اند که می‌توانند نقطه آغاز یا نقطه بازدارنده باشند. شناخت انگیزه‌ها به نهادهای اجرایی، قضایی و حمایتی کمک می‌کند تا به جای واکنش‌های کلی و گاه پرهزینه، برنامه‌های دقیق‌تر طراحی کنند.

بند سوم: اهداف پژوهش

این مقاله سه هدف اصلی را دنبال می‌کند. نخست، ارائه چارچوب مفهومی برای فهم انگیزه در سرقت و ارتباط آن با علل و عوامل جرم‌زا. دوم، تحلیل چندسطحی از عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی مؤثر بر انگیزه‌های سرقت. سوم، ارائه پیشنهادها برای سیاست‌های پیشگیری و واکنش کیفی متناسب با انواع انگیزه‌ها.

بخش سوم: مرور ادبیات و چارچوب نظری

بند اول: نظریه‌های اقتصادی و ساختاری در تبیین سرقت

رویکردهای اقتصادی و ساختاری بر این فرض استوارند که جرم تا حد زیادی بازتاب شرایط نابرابر اجتماعی و توزیع نامتوازن فرصت‌هاست. در این چارچوب، سرقت می‌تواند پاسخی به فقر، بیکاری، محرومیت و نبود دسترسی به منابع مشروع تلقی شود. برخی رویکردها نیز با تأکید بر مفهوم «محرومیت نسبی» نشان می‌دهند که احساس نابرابری، حتی بیش از فقر مطلق، می‌تواند انگیزه جرم‌زا تولید کند. فرد ممکن است خود را با گروه‌های مرجع مقایسه کند و فاصله میان آنچه دارد و آنچه حق خود می‌داند، به شکل خشم یا احساس بی‌عدالتی بروز یابد و در نهایت انگیزه سرقت را تقویت کند.

بند دوم: نظریه فشار اجتماعی و پیوند آن با انگیزه

نظریه فشار اجتماعی بر شکاف میان اهداف فرهنگی پذیرفته‌شده و ابزارهای مشروع دستیابی به آنها تأکید می‌کند. هنگامی که جامعه اهدافی مانند موفقیت مالی یا منزلت اجتماعی را ارزش‌گذاری می‌کند، اما مسیرهای مشروع برای همه فراهم نیست، برخی افراد ممکن است به راه‌های غیرقانونی روی بیاورند. انگیزه در این نظریه نه صرفاً نیاز، بلکه پاسخ به فشار ساختاری و تجربه ناکامی است. در سرقت‌های شهری، به‌ویژه سرقت‌های خرد و تکرارشونده، این فشار می‌تواند به صورت ترکیبی از نیازهای اقتصادی و تمنای منزلت بروز کند.

بند سوم: نظریه انتخاب عقلانی و فرصت‌محور

رویکرد انتخاب عقلانی و نظریه‌های فرصت‌محور، سرقت را نتیجه تصمیم‌گیری می‌دانند؛ تصمیمی که در آن مرتکب هزینه و فایده را می‌سنجد. در این نگاه، انگیزه به‌تنهایی کافی نیست؛ باید فرصت مناسب نیز وجود داشته باشد. برای مثال، فردی ممکن است انگیزه مالی داشته باشد، اما اگر احتمال دستگیری بالا، حفاظت اموال مؤثر، و نظارت اجتماعی قوی باشد، ارتکاب سرقت کاهش می‌یابد. این نظریه‌ها بر نقش محیط، طراحی شهری، روشنایی

معاير، کنترل دسترسي، و کاهش جذابيت اهداف سرقت تأکيد می‌کنند.

بند چهارم: نظريه يادگيري اجتماعي و نقش گروه‌های مرجع

نظريه يادگيري اجتماعي توضيح می‌دهد که افراد رفتار مجرمانه را در تعامل با ديگران می‌آموزند؛ از طريق مشاهده، تقليد، پاداش و تقويت. در بسياری از سرقت‌ها، به‌ویژه در سنين نوجواني و جواني، انگيزه می‌تواند از «پذيرفته شدن در گروه» يا «کسب هويت» نشأت گیرد. فردی که در گروه‌های همسالان بزهکار قرار می‌گیرد، نه تنها تکنیک‌های سرقت را می‌آموزد، بلکه نظام توجه‌گری و ارزش‌های جایگزین را نیز جذب می‌کند. در این حالت، انگيزه سرقت ممکن است با احساس هيجان، قدرت، يا وفاداری گروهی پیوند بخورد.

بند پنجم: رویکرد کنترل اجتماعي و ضعف پیوندهای بازدارنده

رویکردهای کنترل اجتماعي بر این نکته تأکيد دارند که پرسش اصلی این نیست که چرا افراد جرم می‌کنند، بلکه این است که چرا بسياری از افراد جرم نمی‌کنند. پاسخ در پیوندهای اجتماعي، تعهدات، باورهای اخلاقي و نظارت غيررسمی نهفته است. وقتی پیوند فرد با خانواده، مدرسه، کار و جامعه تضعيف می‌شود، انگيزه‌های بالقوه جرم‌زا راحت‌تر به رفتار مجرمانه تبديل می‌شوند. در سرقت، ضعف نظارت خانوادگی، ترک تحصیل، بیکاری مزمن، و احساس بی‌هويتي می‌تواند مسیر را برای شکل‌گیری انگيزه‌های سرقت هموار کند.

بخش چهارم: روش‌شناسی پژوهش

بند اول: رویکرد و نوع مطالعه

این مقاله از نوع پژوهش کیفی تحلیلی و کتابخانه‌ای است و با تلفیق یافته‌های نظری و پژوهشی، به صورت استدلالی و مقایسه‌ای به تبیین علل و عوامل ارتکاب سرقت با تمرکز بر انگيزه مرتکب می‌پردازد. هدف، ارائه یک مدل تبیینی چندسطحی است که بتواند هم تنوع انگيزه‌ها و هم نقش زمینه‌های اجتماعي را توضيح دهد.

بند دوم: گردآوری داده‌ها و منابع

گردآوری داده‌ها بر پایه مطالعه منابع معتبر فارسی و انگلیسی در حوزه حقوق کیفری، جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی انحرافات و روان‌شناسی اجتماعي انجام شده است. همچنین از گزارش‌ها و تحلیل‌های علمی مربوط به پیشگیری از جرم و سیاست‌های جنایی نیز بهره گرفته شده تا پیوند میان انگيزه‌ها و راهکارهای عملی روشن شود.

بند سوم: چارچوب تحليل و دسته‌بندی مفهومی

چارچوب تحليل مقاله بر سه سطح استوار است. سطح نخست، عوامل فردی و روان‌شناختی که بر شکل‌گیری انگيزه اثر می‌گذارند. سطح دوم، عوامل خانوادگی و اجتماعي که زمینه‌های تربیتی و هنجاری را شکل می‌دهند. سطح سوم، عوامل اقتصادی و محیطی که هم فشار و هم فرصت را توليد می‌کنند. سپس نشان داده می‌شود که چگونه این سطوح در قالب الگوهای انگيزشی مختلف، انواع سرقت را توضيح می‌دهند.

بخش پنجم: عوامل فردی و روان‌شناختی مؤثر بر انگیزه سرقت بند اول: نیاز، طمع و تمایز انگیزه‌های بقا از انگیزه‌های سوداگرانه

یکی از نخستین و رایج‌ترین انگیزه‌ها در سرقت، تأمین نیازهای اساسی است. در این حالت، سرقت می‌تواند واکنشی فوری به بحران مالی، بدهی، یا فقدان منابع برای تأمین خوراک و مسکن باشد. با این حال، باید میان انگیزه بقا و انگیزه سوداگرانه تمایز گذاشت. انگیزه سوداگرانه زمانی شکل می‌گیرد که فرد صرفاً به دنبال افزایش دارایی، مصرف تجملی، یا ارتقای سبک زندگی است، حتی اگر نیاز اساسی برطرف باشد. این تمایز در تحلیل سرقت مهم است، زیرا شیوه مداخله در دو حالت متفاوت خواهد بود. در حالت بقا، حمایت اجتماعی و توانمندسازی اقتصادی نقش کلیدی دارد، در حالی که در حالت سوداگرانه، کنترل فرصت، افزایش هزینه ارتکاب، و تقویت هنجارهای اخلاقی می‌تواند مؤثرتر باشد.

بند دوم: اعتیاد و چرخه انگیزشی سرقت

اعتیاد یکی از عوامل نزدیک و قدرتمند در تبیین سرقت است. وابستگی به مواد می‌تواند انگیزه‌ای فوری و تکرارشونده ایجاد کند و فرد را به سمت سرقت‌های خرد و پرریسک سوق دهد. در این وضعیت، فرد ممکن است حتی آگاه باشد که دستگیری محتمل است، اما فشار روانی و جسمی ناشی از نیاز به ماده، تصمیم‌گیری منطقی را تضعیف می‌کند. همچنین اعتیاد می‌تواند پیامدهای ثانویه‌ای مانند قطع روابط خانوادگی، طرد اجتماعی و بیکاری ایجاد کند که خود انگیزه سرقت را تشدید می‌نماید.

بند سوم: هیجان‌طلبی، تکانشگری و ویژگی‌های شخصیتی

برخی سرقت‌ها نه از سر نیاز و نه از سر برنامه‌ریزی حرفه‌ای، بلکه به دلیل هیجان‌طلبی، ماجراجویی و تکانشگری رخ می‌دهند. این الگو در نوجوانان و جوانان بیشتر دیده می‌شود، اما محدود به آنها نیست. فردی که تحمل ناکامی پایین دارد، پیامدهای بلندمدت را نادیده می‌گیرد و در لحظه تصمیم می‌گیرد، ممکن است در مواجهه با فرصت، به سرقت دست بزند. اینجا انگیزه می‌تواند ترکیبی از کنجکاوی، اثبات خود، و تجربه خطر باشد. در چنین مواردی، برنامه‌های آموزش مهارت‌های زندگی، کنترل خشم، و تقویت خودتنظیمی اهمیت می‌یابد.

بند چهارم: توجیه‌گری اخلاقی و خنثی‌سازی احساس گناه

یکی از عناصر مهم در مسیر تبدیل انگیزه به عمل، سازوکارهای توجیه‌گری است. بسیاری از مرتکبان برای کاهش احساس گناه یا اضطراب، از تکنیک‌های خنثی‌سازی استفاده می‌کنند؛ مانند این تصور که قربانی ثروتمند است و «چیزی از دست نمی‌دهد»، یا اینکه جامعه به فرد ظلم کرده و سرقت نوعی «پس‌گرفتن حق» است. این توجیه‌گری می‌تواند انگیزه را تقویت و موانع اخلاقی را تضعیف کند. هرچه فرد بیشتر بتواند عمل خود را مشروع جلوه دهد، احتمال تکرار سرقت افزایش می‌یابد.

بخش ششم: عوامل خانوادگی و تربیتی در شکل‌گیری انگیزه سرقت

بند اول: ساختار خانواده، نظارت و دلبستگی

خانواده یکی از اصلی‌ترین نهادهای شکل‌دهنده کنترل اجتماعی غیررسمی است. ضعف نظارت والدین، تعارضات مزمن خانوادگی، طلاق، خشونت خانگی، یا بی‌توجهی عاطفی می‌تواند پیوندهای بازدارنده را سست کند. در چنین شرایطی، فرد ممکن است برای جبران خلأ عاطفی یا مالی، یا برای کسب توجه و قدرت، به رفتارهای انحرافی از جمله سرقت گرایش پیدا کند. انگیزه سرقت در اینجا گاه با احساس رهاشدگی، خشم پنهان، یا تلاش برای استقلال زودهنگام پیوند می‌خورد.

بند دوم: الگوپذیری و انتقال هنجارهای بزهکارانه

اگر در خانواده یا خویشاوندان نزدیک، رفتارهای مجرمانه عادی‌سازی شده باشد، احتمال یادگیری و تکرار آن افزایش می‌یابد. در این حالت، انگیزه سرقت نه یک تصمیم فردی صرف، بلکه بخشی از «فرهنگ خرد» خانواده می‌شود. کودک یا نوجوان می‌آموزد که سرقت راهی برای حل مسئله است و پیامدهای اخلاقی آن کم‌اهمیت تلقی می‌شود.

بند سوم: شکست تحصیلی و گسست از نهاد مدرسه

مدرسه علاوه بر آموزش، نقش مهمی در اجتماعی‌کردن و ایجاد تعهد نسبت به آینده دارد. ترک تحصیل، افت تحصیلی و تجربه تحقیر در محیط مدرسه می‌تواند پیوند فرد با مسیرهای مشروع موفقیت را قطع کند. در نتیجه، انگیزه سرقت ممکن است به عنوان راهی برای کسب درآمد یا کسب منزلت در گروه‌های غیررسمی تقویت شود.

بخش هفتم: عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر انگیزه سرقت

بند اول: فقر، بیکاری و ناامنی اقتصادی

فقر و بیکاری از عوامل مهم زمینه‌ساز سرقت‌اند، اما تأثیر آنها از مسیرهای متفاوتی اعمال می‌شود. ناامنی اقتصادی می‌تواند امید به آینده را کاهش دهد و فرد را به تصمیم‌های کوتاه‌مدت سوق دهد. همچنین بیکاری به کاهش منزلت اجتماعی و افزایش احساس بی‌ارزشی می‌انجامد و سرقت ممکن است به عنوان راهی برای بازپس‌گیری احساس توانمندی یا کنترل بر زندگی تجربه شود. در برخی موارد، فرد با سرقت نه فقط پول، بلکه نوعی «احساس پیروزی» یا «شکستن محدودیت‌ها» را دنبال می‌کند.

بند دوم: نابرابری و محرومیت نسبی

حتی در جوامعی که سطحی از رفاه وجود دارد، نابرابری شدید می‌تواند انگیزه‌های جرم‌زا تولید کند. مشاهده سبک زندگی مصرفی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، مقایسه اجتماعی را تشدید می‌کند. فردی که خود را محروم می‌بیند، ممکن است به این باور برسد که مسیرهای مشروع ناکارآمد یا بسته‌اند. در این فضا، سرقت می‌تواند به صورت واکنشی به احساس بی‌عدالتی یا تلاش برای دستیابی سریع به نمادهای منزلت شکل بگیرد.

بند سوم: سرمایه اجتماعی، اعتماد و کنترل غیررسمی

هرچه اعتماد اجتماعی و سرمایه اجتماعی در یک محله یا جامعه کمتر باشد، نظارت همگانی کاهش می‌یابد و فرصت برای سرقت افزایش پیدا می‌کند. در محله‌هایی که روابط همسایگی ضعیف است، افراد کمتر یکدیگر را می‌شناسند و احتمال مداخله شهروندان در موقعیت‌های مشکوک پایین‌تر است. این وضعیت هم انگیزه را تقویت می‌کند و هم هزینه ارتکاب را کاهش می‌دهد، زیرا مرتکب احساس می‌کند دیده نمی‌شود یا کسی واکنش نشان نخواهد داد.

بند چهارم: فرهنگ مصرفی و تغییر ارزش‌ها

گسترش فرهنگ مصرفی و تبدیل کالاها به نشانه‌های هویت و منزلت، می‌تواند انگیزه‌های سرقت را تشدید کند. هنگامی که ارزش اجتماعی افراد با دارایی‌های قابل‌نمایش سنجیده می‌شود، فشار برای دستیابی به کالاهای خاص افزایش می‌یابد. در این فضا، سرقت ممکن است نه برای رفع نیاز، بلکه برای کسب «اعتبار نمادین» صورت گیرد.

بخش هشتم: عوامل محیطی و فرصت‌های جرم‌زا در ارتکاب سرقت

بند اول: فرصت، هدف مناسب و نبود نگهبان مؤثر

بخش قابل‌توجهی از سرقت‌ها زمانی رخ می‌دهد که سه عنصر کنار هم قرار می‌گیرند: انگیزه مرتکب، هدف مناسب، و نبود نگهبان مؤثر. هدف مناسب می‌تواند مالی باشد که حمل آن آسان، فروش آن سریع، و شناسایی آن دشوار است. نبود نگهبان مؤثر نیز می‌تواند به معنای نبود نظارت انسانی، ضعف دوربین‌ها، روشنایی ناکافی یا بی‌نظمی محیطی باشد. در این شرایط، حتی انگیزه‌های متوسط می‌توانند به عمل تبدیل شوند.

بند دوم: طراحی شهری، فضاهای بی‌دفاع و الگوهای جغرافیای جرم

طراحی شهری در سرقت نقش مهمی دارد. فضاهای متروک، کوچه‌های تاریک، پارکینگ‌های بی‌نظارت، و مسیرهای فرار آسان می‌توانند سرقت را تسهیل کنند. همچنین تراکم جمعیت و اختلاط کاربری‌ها در برخی مناطق شهری، فرصت‌های فراوانی برای سرقت‌های خرد فراهم می‌کند. از این منظر، پیشگیری وضعی از جرم با اصلاح محیط و کاهش فرصت‌ها می‌تواند اثر قابل‌توجهی داشته باشد.

بند سوم: فناوری، بازارهای غیررسمی و تسهیل فروش اموال مسروقه

وجود بازارهای غیررسمی خرید و فروش اموال، انگیزه سرقت را تقویت می‌کند، زیرا امکان تبدیل سریع مال مسروقه به پول فراهم می‌سازد. در برخی موارد، شبکه‌های واسطه‌ای و خریداران اموال مسروقه نقش مهمی در تداوم سرقت دارند. هرچه این بازارها فعال‌تر و کم‌ریسک‌تر باشند، سرقت از حالت رخداد منفرد به رفتار تکرارشونده و حتی حرفه‌ای تبدیل می‌شود.

بخش نهم: گونه‌شناسی انگیزه‌های سرقت و پیوند آن با انواع سرقت

بند اول: انگیزه بقا و سرقت‌های خرد

در این الگو، سرقت غالباً کم‌برنامه، با ارزش مالی محدود و گاه همراه با اضطراب است. مرتکب ممکن است تجربه شغلی پایدار نداشته باشد و سرقت را راهی کوتاه‌مدت برای عبور از بحران تلقی کند. تکرار در این نوع سرقت می‌تواند با عمیق‌تر شدن فقر یا شکل‌گیری عادت رفتاری افزایش یابد.

بند دوم: انگیزه اعتیاد و سرقت‌های تکرارشونده

این نوع سرقت معمولاً به سرعت تکرار می‌شود و ممکن است نسبت به پیامدهای کیفری بی‌اعتنا باشد. مرتکب به دنبال منابع سریع مالی است و انتخاب هدف‌ها بیشتر تابع دسترسی آسان است تا ارزش بالا. در اینجا، درمان اعتیاد، حمایت روانی و اجتماعی، و برنامه‌های بازتوانی نقش کلیدی دارند.

بند سوم: انگیزه منزلت و سرقت‌های نمادین

در برخی سرقت‌ها، ارزش نمادین کالا مهم‌تر از ارزش مالی آن است. سرقت گوشی‌های خاص، پوشاک برند یا اقلام لوکس می‌تواند با انگیزه منزلت‌طلبی انجام شود. این نوع سرقت در بستر فرهنگ مصرفی و مقایسه اجتماعی تشدید می‌شود و پاسخ‌های آموزشی و فرهنگی در کنار کنترل فرصت‌ها ضروری است.

بند چهارم: انگیزه حرفه‌ای و سرقت‌های سازمان‌یافته

در سرقت‌های حرفه‌ای، انگیزه سود و کارآمدی اقتصادی غالب است و عمل سرقت با برنامه‌ریزی، تقسیم کار و گاه ارتباط با شبکه‌های فروش انجام می‌شود. این نوع سرقت با فرصت‌های ساختاری و ضعف نظارت رسمی پیوند دارد و نیازمند پاسخ‌های اطلاعاتی، انتظامی و قضایی دقیق‌تر و همچنین مقابله با بازار اموال مسروقه است.

بند پنجم: انگیزه انتقام، اعتراض و سرقت در چارچوب تعارضات اجتماعی

گاهی سرقت صورت نمادین اعتراض یا انتقام به خود می‌گیرد؛ برای مثال در تعارضات خانوادگی یا شغلی، یا در موقعیت‌هایی که فرد احساس می‌کند مورد ظلم قرار گرفته است. در این موارد، سرقت حامل پیام است و تحلیل انگیزه بدون توجه به زمینه تعارض، ناقص خواهد بود. راهکارهای میانجی‌گری، حل تعارض و حمایت حقوقی می‌تواند از تبدیل تعارض به جرم جلوگیری کند.

بخش دهم: پیامدهای توجه به انگیزه در واکنش کیفری و پیشگیری

بند اول: عدالت کیفری و تناسب پاسخ با انگیزه و خطرناکی

توجه به انگیزه می‌تواند به اصل تناسب در عدالت کیفری کمک کند. فردی که با انگیزه بقا و در شرایط اضطراب مرتکب سرقت شده، از نظر خطرناکی اجتماعی با مرتکب حرفه‌ای متفاوت است. سیاست جنایی کارآمد باید میان این گروه‌ها تمایز قائل شود و به جای یکسان‌سازی پاسخ‌ها، از طیفی از واکنش‌ها استفاده کند؛ از اقدامات حمایتی و جایگزین

حبس تا تشدید کنترل بر شبکه‌های حرفه‌ای.

بند دوم: پیشگیری اجتماعی با تمرکز بر عوامل انگیزشی

پیشگیری اجتماعی شامل سیاست‌هایی است که بر کاهش فشارها و تقویت پیوندهای اجتماعی تمرکز دارد. برنامه‌های اشتغال‌زایی، حمایت از خانواده‌های آسیب‌پذیر، ارتقای کیفیت آموزش، توسعه مهارت‌های زندگی، و دسترسی به خدمات سلامت روان می‌تواند انگیزه‌های جرم‌زا را کاهش دهد. این اقدامات، اگرچه نتایج فوری ندارند، اما در بلندمدت پایدارترین اثر را بر کاهش سرقت خواهند داشت.

بند سوم: پیشگیری وضعی و مدیریت فرصت‌های سرقت

پیشگیری وضعی با کاهش فرصت و افزایش هزینه ارتکاب سرقت عمل می‌کند. افزایش روشنایی، بهبود طراحی محیطی، نصب تجهیزات نظارتی، کنترل دسترسی، ایمن‌سازی اموال، و کاهش جذابیت اهداف سرقت از جمله اقدامات مهم است. اهمیت این رویکرد در آن است که حتی اگر انگیزه وجود داشته باشد، امکان تبدیل آن به عمل کاهش می‌یابد.

بند چهارم: بازپروری و مداخله درمان‌محور برای انگیزه‌های تکرارشونده

در سرقت‌های مرتبط با اعتیاد یا اختلالات رفتاری، بازپروری و درمان نقش تعیین‌کننده دارد. حبس بدون مداخلات درمانی می‌تواند انگیزه‌های منفی را تشدید کند و فرد را در شبکه‌های بزه‌کار تثبیت نماید. مداخلات درمانی، آموزش مهارت‌های شغلی، و حمایت پس از آزادی می‌تواند چرخه انگیزشی سرقت را بشکند.

بخش یازدهم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بند اول: جمع‌بندی یافته‌های تحلیلی

تحلیل ارائه‌شده نشان داد که سرقت محصول هم‌افزایی علل ساختاری، عوامل نزدیک و انگیزه‌های فردی است. انگیزه مرتکب نقطه‌ای است که در آن فشارهای اقتصادی و اجتماعی، تجربه‌های خانوادگی و تربیتی، ویژگی‌های روان‌شناختی و فرصت‌های محیطی به تصمیم مجرمانه تبدیل می‌شوند. همچنین انگیزه‌ها متنوع‌اند و از بقا و اعتیاد تا منزلت‌طلبی، حرفه‌ای‌گری و انتقام را دربرمی‌گیرند.

بند دوم: پیام سیاستی برای کاهش سرقت

بر اساس یافته‌های مقاله، سیاست‌های کاهش سرقت باید چندسطحی و تلفیقی باشد. تمرکز صرف بر مجازات، بدون توجه به انگیزه‌ها و زمینه‌ها، می‌تواند به تکرار جرم بینجامد. از سوی دیگر، اقدامات صرفاً حمایتی بدون مدیریت فرصت‌ها نیز ممکن است اثر محدود داشته باشد. ترکیب پیشگیری اجتماعی، پیشگیری وضعی و بازپروری هدفمند، همراه با تمایزگذاری میان انواع انگیزه‌ها، مسیر واقع‌بینانه‌تری برای کاهش سرقت فراهم می‌کند.

بند سوم: پیشنهادها برای پژوهش‌های آینده

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با روش‌های میدانی، مصاحبه با مرتکبان و تحلیل پرونده‌های قضایی، الگوهای انگیزشی سرقت را در گروه‌های سنی و مناطق مختلف بررسی

کنند. همچنین مطالعه نقش فناوری‌های نوین، تحولات اقتصادی و تغییرات فرهنگی در شکل‌گیری انگیزه‌های جدید سرقت می‌تواند به روزآمدسازی سیاست‌های پیشگیری کمک کند.

منابع و مأخذ

• منابع فارسی

- آشوری، محمد. حقوق جزای عمومی جلد اول. تهران: سمت.
- آشوری، محمد. حقوق جزای عمومی جلد دوم. تهران: سمت.
- اردبیلی، محمدعلی. حقوق جزای عمومی. تهران: میزان.
- اردبیلی، محمدعلی. حقوق جزای اختصاصی جلد اول جرایم علیه اموال و مالکیت. تهران: میزان.
- باقری، عباس. جرم‌شناسی و پیشگیری از جرم. تهران: دادگستر.
- حسینی، سیدحسن. جامعه‌شناسی انحرافات و آسیب‌های اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاهی.
- خادمیان، ناصر. پیشگیری وضعی از جرم با رویکرد طراحی محیطی. تهران: جنگل.
- رئیس‌زاده، علی. مبانی جرم‌شناسی. تهران: نشر میزان.
- زارعی، محمد. نظریه‌های جرم‌شناسی و کاربرد آنها در سیاست جنایی. تهران: مجد.
- صادقی، حسن. حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه اموال. تهران: دادگستر.
- غلامی، محمدرضا. بزهکاری و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. تهران: نشر نی.
- مهاجری، علی. جرم‌شناسی کاربردی. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- منابع انگلیسی:

- Beccaria, C. On Crimes and Punishments. Cambridge: Cambridge University Press.
- Bentham, J. An Introduction to the Principles of Morals and Legislation. Oxford: Clarendon Press.
- Clarke, R. V. Situational Crime Prevention: Successful Case Studies. New York: Harrow and Heston.
- Cohen, L. E., & Felson, M. Social Change and Crime Rate Trends: A Routine Activity Approach. American Sociological Review.
- Cornish, D. B., & Clarke, R. V. The Reasoning Criminal: Rational

Choice Perspectives on Offending. New York: Springer.

Gottfredson, M. R., & Hirschi, T. A General Theory of Crime. Stanford: Stanford University Press.

Hirschi, T. Causes of Delinquency. Berkeley: University of California Press.

Merton, R. K. Social Structure and Anomie. American Sociological Review.

Sampson, R. J., & Laub, J. H. Crime in the Making: Pathways and Turning Points Through Life. Cambridge, MA: Harvard University Press.

Sutherland, E. H. Principles of Criminology. Philadelphia: J. B. Lippincott.

Wilson, J. Q., & Kelling, G. L. Broken Windows: The Police and Neighborhood Safety. Atlantic Monthly.